



مدیرعامل شرکت نفت و گاز اروندان گفت: افزایش تولید به‌ویژه در ایسن میدان‌ها، یکی از کلیدهای پیشرفت صنعت نفت و ارتقای جایگاه اقتصادی کشور است و باید با استفاده از فناوری‌های نوین دنبال شود.

به گزارش اقتصادسراسرآمد، حمید دریس در نشست تولید این شرکت با تأکید بر ضرورت تمرکز بر توسعه میدان‌های مشترک اظهار کرد: افزایش تولید به‌ویژه در میدان‌های مشترک نه تنها یکی از راهکارهای اصلی پیشرفت صنعت نفت، بلکه عاملی مؤثر در ارتقای جایگاه اقتصادی کشور و ارزآوری خواهد بود. بر همین اساس برنامه‌ریزی دقیق و اجرای طرح‌های توسعه‌ای و مطالعاتی میدان‌های مشترک و مستقل باید به‌عنوان یک اولویت راهبردی دنبال شود.

وی با اشاره به تحقق صددرصدی برنامه تولیدی و فراتر بودن عملکرد از برنامه ابلاغی شرکت ملی نفت ایران، به مأموریت‌های جدید شرکت اروندان در حوزه‌های عملیاتی و توسعه‌ای اشاره کرد.

مدیرعامل شرکت نفت و گاز اروندسان بر اهمیت

هم‌افزایی میان بخش‌های مختلف سازمان برای

تحقق اهداف کلان تولید تأکید کرد و گفت: در

شرایط فعلی، استفاده بهینه از ظرفیت‌های موجود

و بهره‌گیری از فناوری‌های نوین باید در دستور کار

قرار گیرد.

دریس افزود: برای تحقق اهداف بلندمدت، باید از امروز به فکر زیرساخت‌های فنی، تربیت نیروی انسانی متخصص، ارتقای سطح رضایتمندی کارکنان، توجه به مسائل حقوق و مزایای انگیزشی و تقویت تعامل با سایر بخش‌های صنعت نفت و شرکت‌های دانش‌بنیان و استفاده از خدمات شرکت‌های داخلی باشیم. وی با اشاره به اهمیت راهپیمایی اربعین به‌عنوان نماد وحدت، ایمان و ارادت به اهل بیت (ع)، خدمت به زوار را جزئی از تکلیف شرکت خود دانست و بر لزوم استمرار این اقدام‌های تأکید و حضور مؤثر در این عرصه را وظیفه‌ای فرهنگی و معنوی براسر مجموعه نفت و گاز اروندان بیان کرد. در ادامه این نشست، مدیران رؤسای واحدهای مختلف ضمن ارائه گزارش از روند فعالیت‌ها در دست اجرا و روند تولید نفت، به بیان دیدگاه‌ها، چالش‌ها و پیشنهادهای در زمینه ارتقای سطح تولید پرداختند.

همکاری ایدرو ساتبای برای توسعه ۳ هزار مگاوات نیروگاه خورشیدی در بخش صنعت
سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران (ایدرو) و سازمان انرژی‌های تجدیدپذیر و بهره‌وری انرژی برق (ساتبا)، همکاری مشترکی را برای ساخت سه هزار مگاوات نیروگاه خورشیدی در بخش صنعت آغاز کردند.

به گزارش اقتصادسراسرآمد، در دیدار فرشاد مقیمی معاون وزیر صمت و محسن طرزطلب مدیرعامل ساتبا، نقشه راه توسعه نیروگاه‌های خورشیدی در بخش صنعت ترسیم شد. این همکاری براساس بند «ث» ماده ۷ تصویب‌نامه هیات دولت شکل گرفته و هدف آن رفع موانع و تسریع در اجرای طرح‌های انرژی تجدیدپذیر است.

مقیمی در این نشست با اشاره به نقش کلیدی ایدرو به عنوان پیشران و حلقه واسط بین دولت و بخش خصوصی، تصریح کرد: این سازمان با بهره‌گیری از تجربه گسترده خود در مدیریت پروژه‌های ملی، مسئولیت هدایت، تجمع و تسهیل‌گری طرح‌های خورشیدی در بخش صنعت را برسر عهده خواهد داشت.

وی بیان‌داشت: هدف از این اقدام، استفاده بهینه از صرفه‌جویی مقیاس، جلوگیری از پراکندگی و تنوع غیراقتصادی نیروگاه‌ها و تأمین پایدار برق برای صنایع کشور است.

رئیس هیات عامل ایدرو اظهار داشت: ایدرو به عنوان یک سازمان توسعه‌ای و تسهیل‌گر، مأموریت دارد زیرساخت‌های لازم برای بهره‌مندی صنایع از انرژی پاک را فراهم کند تا ضمن تأمین برق پایدار، از زیان‌های ناشی از قطعی انرژی جلوگیری شود.

همچنین، طرفین بر عملیاتی کردن تفاهمات پیشین و تقویت همکاری بین وزارت نیرو و وزارت صنعت، معدن و تجارت تأکید کردند تا بهره‌برداری از ظرفیت نیروگاه‌های تجدیدپذیر در کوتاه‌ترین زمان ممکن محقق شود.



بهترین و آموزنده‌ترین الگو برای ما، سنگاپور باشد؛ جزیره‌ای کوچک، پرجمعیت و بدون هیچ‌گونه منابع طبیعی. سنگاپور موفقیت خود را نه بر اساس منابع خام، بلکه بر ستون‌های حکمرانی هوشمند، حاکمیت قاطع قانون، سرمایه‌گذاری بی‌وقفه روی سرمایه انسانی و وسواس در کارایی و کیفیت بنا نهاد. این کشور با تمرکز استراتژیک بر بندر و خدمات مالی و دریایی، ثابت کرد که «مدیریت» خود ارزشمندترین منبع است و جغرافیا سرنوشت نیست، بلکه این مدیریت کارآمد است که سرنوشت را می‌سازد.

این مثال‌ها برای تحسین همسایگان و حسرت برای وطن نیستند؛ بلکه الگوبرگیزی از این درس‌های آموزشی توسعه پایدار، هم یک نقشه راه و هم یک آینه عبرت هستند. آن‌ها ثابت می‌کنند که تنها مانع واقعی بر سر راه تبدیل شدن هر مرگان به یک قطب توسعه جهانی، نه کمبود پتانسیل، بلکه فقدان جسارت، تخیل و بلندپروازی در عرصه مدیریت است.

هرمرزگان بر سر دوراهی: از قربانی توسعه تا پرچمدار پیشرفت

هرمرگان امروز بر سر یک تقاطع سرنوشت‌ساز و تاریخی ایستاده است؛ یک انتخاب روشن میان دو آینده کاملاً متفاوت. ادامه مسیر فعلی که بر پایه حکمرانی متمرکز، توسعه شتابزده و نادیده گرفتن محیط‌زیست استوار است، بی‌تردید به تشدید بحران زیست‌محیطی، فرسایش کامل سرمایه‌های طبیعی و انسانی، و از دست رفتن قطعی فرصت‌های طلایی اقتصادی منجر خواهد شد و این استان را به نماد یک تراژدی مدیریتی تبدیل خواهد کرد، اما راه دوم، مسیر یک تغییر پارادایم جسورانه و بنیادین است؛ راهی برای آشتی دادن اقتصاد و محیط‌زیست و تبدیل این استان به یک روایت پیشرفت و الگویی برای موفقیت ملی. این تحول بزرگ نیازمند سه تغییر راهبردی در حوزه مدیریت کلان استان است:

- تغییر در حکمرانی: گذار از مدیریت متمرکز و بی‌اختیار به یک حکمرانی محلی مقتدر، پاسخگو و برخوردار از اختیارات واقعی.
- تغییر در نظام مالی: گذار از اقتصاد استخراجی به یک نظام مالی عادلانه که در آن، ثروت حاصل از منابع منطقه، از طریق سازوکارهایی چون «صندوق توسعه» و «اصلاحات مالیاتی»، مستقیماً در خود منطقه سرمایه‌گذاری می‌شود.
- تغییر در نگاه و بینش: گذار از ذهنیت «روزمرگی و مدیریت بحران» به «جاه‌طلبی جهانی و آینده‌سازی»، با الهام از جسارت رقبای منطقه‌ای و هوشمندی قدرت‌های دریایی جهان.

مسیر پیش رو یک روایت دست‌نیافتنی نیست. با ایجاد یک ساختار حکمرانی قدرتمند و تأمین مالی هوشمند، می‌توان هرمرزگان را نه تنها از بحران کنونی نجات داد، بلکه آن را به الگویی درخشان، قابل تکرار و الهام‌بخش از توسعه دریایپایه و متوازن برای تمام استان‌های ایران تبدیل کرد. چشم‌انداز نهایی باید این باشد که هرمرزگان از جایگاه «قربانی توسعه ناپایدار» به جایگاه «پرچمدار توسعه پایدار ایرانی» و نگین درخشان خلیج فارس ارتقا یابد؛ قطبی که بتواند با بهترین‌های منطقه رقابت کند و ثابت نماید کسه می‌توان با تکیه بر مدیریت هوشمند، فرهنگ غنی و عدالت‌محوری، به شکوفایی اقتصادی و پایداری زیست‌محیطی به صورت هم‌زمان دست یافت. آینده هرمرزگان، گواه انتخابی خواهد بود که ما امروز می‌کنیم: یک داستان عبرت‌آموز از فرصت‌های بر بادرفته، یا یک حماسه افتخارآمیز از توسعه دریامحور و رهبری آگاهانه.



مالیات شرکت‌ها، محل استقرار فیزیکی و کانون اصلی فعالیت تولیدی آن‌ها تعیین شود.

- واریز مستقیم به خزانه محلی: باید سازوکاری تعریف شود که بر اساس آن، بخش مشخصی از مالیات مستقیم و مالیات بر ارزش افزوده این شرکت‌ها و همچنین بخشی از درآمدهای گمرکی مناطق آزاد، پیش از واریز به خزانه ملی، مستقیماً به حساب خزانه دولت محلی (استانداری) واریز شود.

پیامدهای تحول‌آفرین: این اصلاح به ظاهر فنی، پیامدهای راهبردی عمیقی به دنبال خواهد داشت. دولت محلی برای اولین بار به درآمدی پایدار و قابل پیش‌بینی دست می‌یابد و از یک مدیر منفعل و منتظر بودجه از مرکز، به یک کنشگر فعال و برنامه‌ریز برای توسعه تبدیل می‌شود. این منابع مالی می‌تواند مستقیماً صرف بهبود زیرساخت‌های شهری و روستایی، ارتقای خدمات بهداشتی و آموزشی و ایجاد رفاه ملموس برای شهروندان شود. این اقدام، یک قرارداد اجتماعی جدید میان صنایع، دولت محلی و مردم ایجاد می‌کند که در آن، بنگاه‌های اقتصادی به عنوان شرکای مسئولیت‌پذیر در توسعه منطقه دیده می‌شوند، نه بهره‌برداران بیگانه. این همان مسیری است که توسعه پایدار و عادلانه را ممکن می‌سازد؛ جایی که ثمره فعالیت اقتصادی، ریشه‌هایی را که از آن رویده است، تغذیه و تقویت می‌کند.

ج) تغییر نگاه از روزمرگی به جاه‌طلبی جهانی: درس‌هایی از رقبای پیشرو شاید بزرگ‌ترین مانع در مسیر توسعه هرمرزگان، نه کمبود بودجه و منابع، بلکه حاکمیت یک «ذهنیت روزمرگ» در عرصه مدیریت و سیاست‌گذاری باشد. این ذهنیت که بر «حفظ وضع موجود» به جای «خلق آینده» تمرکز دارد، خود را در قالب پروژه‌های کوچک‌مقیاس، پراکنده و فاقد چشم‌انداز کلان نشان می‌دهد. در مقابل، مقایسه وضعیت شهرهای ساحلی ما با رقبای منطقه‌ای، یک تفاوت بنیادین را آشکار می‌کند: آن‌ها ثروت خود را صرف تحقق رویاهای بزرگ و خلق برندهای جهانی کردند، در حالی که ما درگیر راه‌حل‌های موقت و مسکن‌وار شدیم. برای شکستن این بن‌بست، باید از این الگوهای موفق درس گرفت:

- درس اول از امارات (دبی): خلق یک اکوسیستم یکپارچه. دبی به داشتن یک بندر ساده اکتفا نکرد. رهبران آن فهمیدند که برای تبدیل شدن به یک قطب جهانی، باید یک اکوسیستم کامل و یکپارچه از زیرساخت‌ها و خدمات را خلق کنند. آن‌ها درآمدهای خود را به صورت استراتژیک صرف خلق نمادهای جهانی کردند که هریک، دیگري را تقویت می‌کشد: بندر جبل علی به عنوان یکی از کارآمدترین بنادر لجستیک جهان، در کنار فرودگاه بین‌المللی دبی، خط هوایی امارات، مرکز مالی بین‌المللی و قطب‌های گردشگری مانند نخل جمیرا و دبی‌مارینا، همگی باهم کار کردند تا دبی را به یک برند بی‌رقیب و یک مرکز تجارت، لجستیک و توریسم جهانی تبدیل کنند.
- درس دوم از عربستان سعودی: جسارت برای جهش به آینده. چشم‌اندازهای آینده‌نگرانه این کشور مانند شهر نثوم و پروژه گردشگری لوکس و پایدار دریای سرخ فراتر از پروژه‌های عمرانی صرف هستند. این تلاش جسورانه برای جهش از یک اقتصاد نفتی به یک اقتصاد دانش‌بنیان، فناوری‌انه و پایدار هستند.
- عربستان سعودی نشان می‌دهد که جاه‌طلبی در توسعه ساحلی هیچ مرزی نمی‌شناسد و می‌توان از ثروت منابع طبیعی برای خریدن و ساختن یک آینده کاملاً متفاوت استفاده کرد، نه فقط مدیریت امروز.
- درس سوم از سنگاپور: مدیریت هوشمند، ارزشمندترین سرمایه. شاید



واردات کالاهای مصرفی» و جزایری منزوی با مدیریت انتصابی از پایتخت تبدیل شده‌اند که ارتباطی ارگانیک با برنامه توسعه استان ندارند. این مدل نشان می‌دهد که مشکل نه در ایده «منطقه آزاد یا ویژه»، بلکه در شیوه مدیریت، فقدان اختیارات واقعی و عدم الزام آن‌ها به ایفای نقش به عنوان موتور محرکه توسعه منطقه‌ای است.

این ساختار معیوب، یک بی‌عدالتی آشکار و یک پارادوکس تلخ را به‌وجود آورده است: ثروت انبوه در کنار فقر و محرومیت. در استانی که میزبان سودآورترین صنایع کشور است، بسیاری از شهرها و روستاها از زیرساخت‌های اولیه محرومند. این شکاف عمیق، ریشه در ساختار حکمرانی دارد که قدرت را متمرکز کرده و مناطق را از حق طبیعی خود برای بهره‌مندی از منابع و ثروت‌هایشان محروم می‌سازد.

پیوند اقتصاد و محیط‌زیست با الگوبرداری از بهترین‌ها: راهکار درست این است!

برای عبور از این بن‌بست، باید به سمت اجرای طرح‌های جاه‌طلبانه و تحول‌آفرین حرکت کرد و از مدل‌های موفق جهانی الهام گرفت:

الف) ایجاد «صندوق توسعه سواحل و جزایر» با پشتوانه قانونی؛ از جبران خسارت تا سرمایه‌گذاری برای آینده

مهم‌ترین و عملیاتی‌ترین گام برای شکستن چرخه معیوب «توسعه به قیمت تخریب»، تعریف یک سازوکار مالی قدرتمند و مستقل است که براساس اصل جهانی «آلاینده پرداخت می‌کند» (Polluter Pays Principle) عمل کند. برای این منظور، باید با تصویب فوری مجلس شورای اسلامی، «صندوق توسعه سواحل و جزایر خلیج فارس و مکران» به عنوان یک نهاد حقوقی مستقل و به مرکزیت هرمرزگان ایجاد شود. این صندوق، ابزاری برای تحقق عدالت زیست‌محیطی و پیوند زدن سرنوشت صنایع به سرنوشت منطقه خواهد بود. ایجاد چنین صندوقی، یک تغییر پارادایم استراتژیک است که «هزینه‌های تحمیلی» ناشی از صنعتی‌شدن را به «سرمایه‌ای برای بازآفرینی و شکوفایی» همان منطقه تبدیل می‌کند و برای اولین بار، رشد اقتصادی را با سلامت زیست‌محیطی و عدالت اجتماعی همسو می‌سازد. منابع این صندوق باید به صورت شفاف، الزام‌آور و غیرقابل تخفیف از طریق قانون تأمین شود.

این منابع از دو محل اصلی حاصل می‌شوند:

- اختصاص درصد مشخصی از درآمد ناخالص یا وضع عوارض بر تولید از کلیه صنایع ملی و ابرپروژه‌های مستقر در نوار ساحلی، از جمله پالایشگاه‌ها، مجتمع‌های فولادی، آلومینیوم، پتروشیمی و صنایع کشتی‌سازی. این سازوکار، هزینه‌های زیست‌محیطی و اجتماعی را که این صنایع به منطقه تحمیل می‌کنند، «درونی‌سازی» کرده و آن‌ها را از مستأجران بی‌تفاوت به سهامداران مسئولیت‌پذیر در آینده منطقه تبدیل می‌کند.
- تخصیص درصدی از درآمدهای گمرکی و تجاری ۹منطقه آزاد و ویژه اقتصادی مستقر در استان، تا این مناطق نیز نقش واقعی خود را به عنوان موتور محرکه توسعه منطقه‌ای ایفا کنند.

مأموریت و حوزه‌های سرمایه‌گذاری: منابع این صندوق باید تحت نظارت

یک هیات امنای متخصص و با مشارکت نمایندگان جامعه محلی، صرفاً در

حوزه‌های زیر هزینه شود:

بازسازی و احیای زیست‌بوم‌های تخریب‌شده: سرمایه‌گذاری مستقیم برای احیای جنگل‌های حرا، بازگشت صخره‌های مرجانی و پاکسازی سواحل و دریا.

- ایجاد زیرساخت‌های سبز: ساخت تصفیه‌خانه‌های مدرن فاضلاب شهری و صنعتی و سیستم‌های نوین مدیریت پسماند برای پایان دادن به ورود آلودگی به دریا.

ارتقای زیرساخت‌های رفاهی و اجتماعی: سرمایه‌گذاری در ساخت بیمارستان، مدرسه، فضا‌های فرهنگی و ورزشی و بهبود کیفیت زندگی در شهرهای ساحلی و جزایر.

- حمایت از اقتصاد پایدار محلی: ارائه تسهیلات برای کسب و کارهای کوچک و متوسط در حوزه‌هایی چون گردشگری بوم‌گردی، صنایع دستی، و آبی‌پروری مدرن و پایدار.

ب) اصلاح فوری قوانین مالیاتی: پایان دادن به بی‌عدالتی و توانمندسازی دولت محلی

در کنار ایجاد صندوق توسعه، اصلاح فوری و ساختاری قوانین مالیاتی، گامی حیاتی برای پایان دادن به «بی‌عدالتی مالیاتی» و توانمندسازی واقعی دولت محلی است. نظام مالیاتی کنونی که میراث یک تفکر تمرکزگرای شدید است، یک پارادوکس ویرانگر را به وجود آورده است: استان هرمرزگان میزبان تولید ثروت است، اما به دلیل قوانین معیوب، یک دریافت‌کننده فقیر باقی مانده است. مشکل اصلی این است که محل پرداخت مالیات شرکت‌های بزرگ، «محل ثبت دفتر مرکزی» آن‌ها (که عمدتاً تهران است) تعریف شده، نه «محل واقعی فعالیت اقتصادی و تولیدی». در نتیجه، غول‌های صنعتی که بیشترین فشار را بر زیرساخت‌ها و محیط‌زیست هرمرزگان وارد می‌کنند، مالیات مستقیم و ارزش افزوده خود را صدها کیلومتر دورتر، به خزانه مرکزی واریز می‌کنند. همچنین مناطق آزاد تحت لوای «معافیت‌های مالیاتی گسترده»، به جزایری اقتصادی تبدیل شده‌اند که درآمدهای خود را عمدتاً در داخل سازمان خود هزینه کرده و ارتباط مالی معناداری با سرزمین اصلی و استان میزبان ندارند. راهکار چیست؟ تمرکززدایی مالی و تعریف حق استان راهکار، یک اصلاح قانونی روشن و قاطع است:

- تغییر مبنای پرداخت مالیات: قانون باید به صراحت تغییر کند تا محل پرداخت